

بررسی تدفین‌های مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن ملایر

یعقوب محمدی‌فر

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

اسماعیل همتی ازدریانی*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

علی خاکسار

کارشناس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان

فرزاد فروزانفر

انسان‌شناس پژوهشکده میراث فرهنگی

(از ص ۱۱۷ تا ۱۲۹)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۲/۳۱؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۴/۱۲/۰۸

چکیده

معماری دست‌کند گونه خاصی از معماری است که در ایجاد فضاهای آن به مصالح ساختمانی هیچ نیازی نیست و انسان با نهایت سخت‌کوشی و همت خود در جدال با طبیعت آن را ایجاد می‌کند. این شاهکار معماری به گونه‌های متفاوتی در نقاط مختلف ایران‌زمین قابل مشاهده است. یکی از مجموعه‌های منحصربه‌فرد این نوع معماری، مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن است که در فاصله ۱۵ کیلومتری شهر ملایر و ۱۰۰ کیلومتری جنوب شهر همدان واقع است. این مجموعه در سال ۱۳۸۴ به طور اتفاقی بر اثر اقدامات عمرانی کشف شد که شامل بیش از پنجاه فضای معماری دست‌کند زیرزمینی است که با پوشش‌های قوسی‌شکل دارای اتاق‌ها، سالن‌ها و راهروهای مرتبط با یکدیگر است. چهار فصل برنامه پژوهشی (شامل شناسایی، پاکسازی، مستندنگاری و کاوش باستان‌شناختی) در این محوطه به سرپرستی علی خاکسار انجام شده و نتایج قابل توجهی، از جمله شناسایی شصت مورد بقایای اسکلت انسانی به دست آمده است. یافته‌های انسانی این مجموعه به دو صورت تدفین‌های برج‌در کف فضاها و توده‌های استخوانی در مجاورت دیواره‌های فضاها قابل مشاهده است. بررسی نوع و شیوه تدفین‌ها و مقایسه آن با محوطه‌های مشابه، نشان‌دهنده آن است که بقایای اسکلت انسانی این مجموعه مربوط به دوره اشکانی است.

واژه‌های کلیدی: معماری دست‌کند، تدفین اشکانی، همدان، ملایر، شهر سامن

* رایانامه نویسنده مسئول: Hemati30@yahoo.com

۱. مقدمه

از مهم‌ترین رویکردها در باستان‌شناسی امروزی، باستان‌شناسی اجتماعی است که طی آن داده‌های فرهنگی به دست آمده از مطالعه‌ای میدانی، زوایای گوناگونی از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و شاخص‌های فرهنگی جامعه باستانی را در معرض دید پژوهشگر قرار می‌دهد و از دیدگاه پژوهشگران این حوزه، باستان‌شناسی اجتماعی مطالعه جوامع گذشته بر اساس مواد برجای‌مانده از آنهاست (Redman, 1978: 6). از جمله متداول‌ترین و مهم‌ترین روش‌ها که می‌تواند به بازسازی گذشته به عنوان یکی از اهداف باستان‌شناسی کمک کند، تدفین‌ها و داده‌های حاصل از آنهاست (دارک، ۱۳۸۷: ۱۱۱). این احتمال هم وجود دارد که سنت تدفینی، شکلی متفاوت از ساختار اجتماعی جوامع را نشان دهد؛ مانند زمانی که استخوان‌ها عمداً یا سهواً با هم مخلوط شوند (همان، ۱۱۳). در برخی موارد که آیین‌های تدفین به قراردادن جسد در زیر خاک یا در داخل معابد منجر شده باشد، باستان‌شناسان می‌توانند پس از گذشت قرن‌ها اسکلت را به طور کامل مطالعه و بررسی کنند، اما در مواردی که توده و تجمعی از استخوان‌های به هم ریخته و فاقد ارتباط مفصلی وجود داشته باشند، می‌تواند نشان از دست‌کاری‌هایی قبل از تدفین روی جسد باشد یا نمایانگر دست‌کاری‌هایی باشد که در تدفین نخستین اسکلت اتفاق افتاده است (سیمون، ۱۳۸۱: ۳۰ و ۳۱). در چنین مواردی که استخوان‌های افراد مختلف با هم مخلوط می‌شوند، هویت افراد را نمی‌توان از یکدیگر تشخیص داد و باستان‌شناسان فرض را بر این می‌نهند که هدف جامعه مورد مطالعه، ابراز هویت گروهی بوده یا اینکه هویت گروهی اهمیتی ویژه داشته است (همان: ۱۲۳).

هنگام بررسی مکان‌های تدفینی یا گورستان‌ها، اسکلت‌های منظم و برجا به دست آمده برابر با تعداد افراد دفن شده خواهد بود، اما در نمونه‌هایی که قسمت یا تمامی استخوان‌ها در هم ریخته و نامنظم است، تشخیص تعداد دقیق افراد دفن شده چندان ساده نیست و جدا کردن استخوان‌های افراد از همدیگر، عملی نخواهد بود؛ بنابراین، روش ام ان آی (minimum number of individuals یا MNI) برای تشخیص تعداد حداقل تدفین انجام شده، به کار گرفته می‌شود. در این روش بر اساس تعداد هر یک از استخوان‌های موجود، تعداد تدفین‌ها تعیین می‌شود که در جزئیات با هم متفاوت‌اند؛ مثلاً برای جمجمه، تعداد اسکلت افراد برابر است با تعداد جمجمه‌های موجود، ولی برای اجزای کوچک‌تر (مانند استخوان‌های دراز) برابر با تعداد نمونه‌های مربوط به سمت راست یا چپ و منطبق با حداکثر تعداد یافته‌هاست (همان: ۵۱). از موارد مهم دیگر در مطالعه اسکلت‌ها و توده‌های استخوانی، تعیین جنسیت آنهاست که با توجه به وجوه افتراق بین اسکلت‌های مذکر و مؤنث در استخوان‌های جمجمه و لگن، برای تعیین جنسیت بهتر است تمامی قسمت‌های اسکلت بررسی شود. در تعیین جنسیت، استخوان لگن به دلیل تفاوت‌های عملکردی بین زن و مرد شاخصه بسیار خوبی به شمار می‌رود؛ به طور کلی لگن زنانه به جهت ایجاد کانال مناسبی برای زایمان پهن‌تر از لگن مردانه است و در مقابل لگن باریک‌تر مردانه برای حرکت مناسب‌تر است. در بقایای استخوان افراد بالغ می‌توان بر اساس پیشرفت ضایعات دژنراتیو (Degenerative lesions = مخرب) و پوشش دندان‌ها و در بقایای استخوان‌های نابالغ می‌توان با توجه به جنبه‌های مختلف رشد و تکامل، سن را تعیین کرد (همان: ۷۲).

در مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن از مجموع هشت کارگاه زیرزمینی، دو کارگاه یک (I.A)، I.B) و پنج (V) دارای بقایای اسکلت‌های انسانی به صورت تدفین‌های برجا در کف (تصویر ۴ و ۱۰) و همچنین

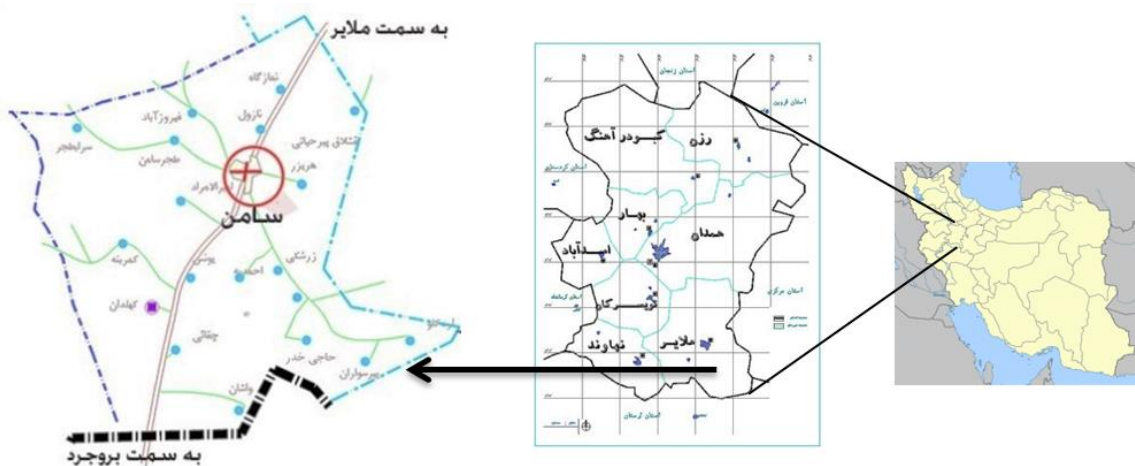
توده‌های استخوانی (۳، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹) در گوشه اطاق‌ها و سالن‌ها هستند. پس از طی مراحل پاک‌سازی و کاوش در هشت فضا (اتاق‌ها و سالن‌ها) این تدفین‌ها مشخص شدند که بعد از مستندسازی، مطالعات انسان‌شناسی^۱ بر روی آنها انجام گرفت (خاکسار، ۱۳۸۷: ۶۵۳).

۲. پیشینه پژوهشی

مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی شهر سامن در سال ۱۳۸۴ به طور اتفاقی در اثر اقدامات عمرانی (اجرای فیبر نوری) کشف و بخشی از آثار آن در مرکز شهر شناسایی شد و سپس چهار فصل پژوهش باستان‌شناختی (شامل شناسایی، پاک‌سازی، مستندنگاری و کاوش) در سال‌های ۸۶، ۸۷، ۸۹ و ۹۰ به سرپرستی علی خاکسار با اهداف مشخصی، از جمله ارائه گاه‌نگاری مجموعه و تعیین کاربری آن بر اساس مطالعه شواهد و یافته‌های به دست آمده انجام شد (خاکسار، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹ الف و ۱۳۹۰ الف).

۳. موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های محیطی

مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن در زیر بافت مسکونی شهر کوچکی به همین نام واقع است. این محوطه با موقعیت جغرافیایی ۳۴ درجه و ۱۲ دقیقه و ۳۴،۶۲ ثانیه طول شرقی و در ۴۸ درجه و ۴۲ دقیقه ۱۲،۹۶ ثانیه عرض شمالی در ارتفاع ۱۸۶۹ متر از سطح آب‌های آزاد واقع است و در فاصله ۹۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر همدان، ۱۵ کیلومتری جنوب غرب شهر ملایر قرار دارد. سامن از توابع شهرستان ملایر است که در مسیر ارتباطی بین ملایر، بروجرد و نهاوند واقع شده (نقشه ۱) و دارای موقعیت جلگه‌ای و کوهپایه‌ای است و از نظر اقلیمی، جزء مناطقی با آب‌وهوای کوهستانی محسوب می‌شود و مهم‌ترین منابع تأمین آب این منطقه رودهای فصلی، چشمه‌ها و مجموعه قنات‌های حفر شده است (خاکسار، ۱۳۸۷: ۵).



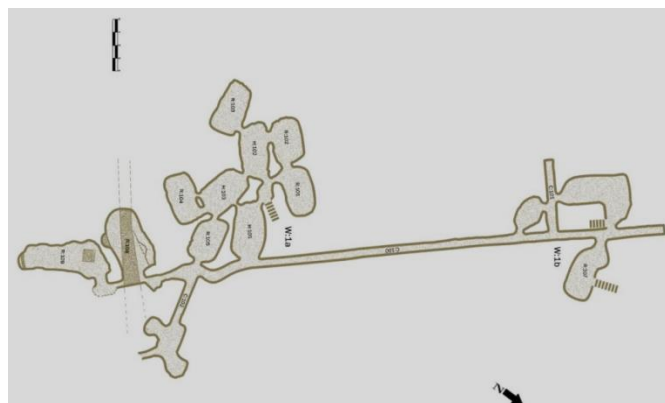
نقشه ۱: موقعیت استان همدان در نقشه ایران، موقعیت شهر سامن در نقشه استان همدان

۴. مجموعه آثار معماری دست‌کند زیرزمینی سامن

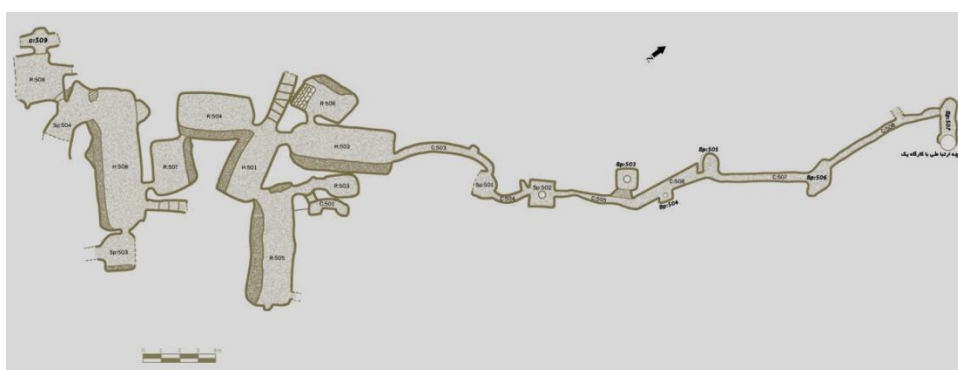
این مجموعه شامل فضاهای معماری است که در زیر بافت مسکونی شهری و در درون بافت سنگ گرانیتی (گرانیت گل‌پنبه‌ای) ایجاد شده است (تصویر ۱). در ایجاد فضاهای مجموعه نهایت استفاده از توپوگرافی انجام و سقف و دیواره‌های فضاها به طور قوس‌دار و برخی فضاها به صورت مطبق قابل مشاهده شده است. این فضاها در عمق‌های متغیر بین ۲ تا ۸ متری از سطح زمین به صورت دست‌کند ایجاد شده‌اند که شامل اتاق‌ها و سالن‌هایی هستند که از طریق دریچه‌ها، درگاهی‌ها و راهروها به هم مرتبط می‌شوند. هر کدام از این فضاها به دلیل ابعاد متفاوت و داشتن پدیدارهای (فیچر) متنوع دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی هستند. در این فضاها پدیدار (فیچر)هایی از قبیل کف مصنوعی، کف تراشیده شده در سنگ بستر، درگاه‌ها، سکو، طاقچه و حفره جای پیه‌سوزها موجود است (همتی ازندریانی، ۱۳۹۲: ۲۱۸). همچنین معماری این مجموعه به لحاظ ساختار و ویژگی‌های فضایی، دارای مشابهت‌هایی با مجموعه‌های معماری دست‌کند زیرزمینی از جمله نوش‌آباد کاشان (ساروخانی، ۱۳۹۱)، امامزاده معصوم ورجوی مراغه (ورجاوند، ۱۳۵۵؛ شجاع‌دل و علیپور، ۱۳۸۴ و شکاری‌نیری، ۱۳۸۵)، ارزانفود همدان (خاکسار، ۱۳۸۹ ب و ۱۳۹۰ ب) و انوج ملایر (خاکسار، ۱۳۸۸) است، اما به لحاظ داده‌ها و شواهد باستان‌شناختی هیچ‌کدام از محوطه‌های مذکور قابل مقایسه با سامن نیستند (همتی ازندریانی، ۱۳۹۲: ۲۱۸-۲۲۰). طی چهار فصل برنامه پژوهشی در این مجموعه، بیش از پنجاه فضا با ابعاد و اندازه‌های متغیر در هشت کارگاه زیرزمینی (۱ الف، ۱ ب، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸) شناسایی شده است (پلان ۱ و ۲). با توجه به ساختار مجموعه آثار سامن و وجوه افتراق آن با دیگر فضاها و محوطه‌های تاریخی و باستانی موجود، روش کاوش در این فضا نیز متفاوت از کاوش‌های معمول بود. از آن جا که در لایه‌های تاریخی و بقایای موجود در کف فضاها نباید دنبال سازه یا جنبه خاصی از معماری بود، ثبت و ضبط دقیق یافته‌ها، بسیار حائز اهمیت و مورد تأکید در کاوش بود؛ لذا پس از پاکسازی فضاها از آوار و رسوبات وارد شده و توصیف کلی کارگاه و فضاهای موجود، کاوش لایه‌های کف آغاز شد. کف‌ها حاوی چند لایه بودند. در اغلب فضاها لایه رسوبی طبیعی حاصل ریزش سقف و رسوب‌گذاری آب‌های ورودی به فضا در درازمدت روی لایه‌های تاریخی قرارداد داشت که با برداشت لایه رسوبی به لایه تاریخی می‌رسید.



تصویر ۱: وضعیت قرارگیری آثار در بافت مسکونی شهری



پلان ۱: پلان کارگاه شماره ۱ (1A, 1B) مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن



پلان ۲: پلان کارگاه شماره ۵ (V) مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن

۵. معرفی یافته‌های انسانی حاصل از کاوش

از مهم‌ترین و چشمگیرترین داده‌های فرهنگی حاصل از کاوش فضاهای مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن، می‌توان به بقایای اسکلت‌ها و توده‌های استخوانی انسانی اشاره کرد (تصویر ۲) که در ادامه به تشریح آن‌ها می‌پردازیم:

۵-۱. کارگاه شماره I. A (الف، ۱ ب)

این کارگاه دارای سه سالن^۲، پنج اتاق^۳ و یک ورودی عمودی در مجاورت سالن ۱۰۱ است که راهروهای شماره ۱۰۰ و ۱۰۲ ارتباط این کارگاه را با دیگر کارگاه‌ها فراهم می‌کنند (پلان ۱).

یافته‌های انسانی سالن ۱۰۲: در سالن ۱۰۲ بقایای پنج فرد به ثبت رسیده است که شامل یک فرد مذکر میان‌سال، یک زن جوان، یک نوجوان مؤنث در حد بلوغ و دو کودک خردسال که مراحل گذر از دندان‌های شیری را به دائم سپری کرده‌اند. نکته جالب اینکه در این فضا هر پنج مورد تدفین روباز شناسایی شد و جابه‌جایی این تدفین‌ها مربوط به تردهای پس از تدفین تا مرحله رسوب‌گذاری و بسته شدن راه‌پله در مجاورت پاگرد ورودی است (تصویر ۲).

یافته‌های انسانی سالن ۱۰۱: در سالن ۱۰۱ توده انسانی نه نفره‌ای شناسایی شد که سه نفر آن مذکر، چهار نفر مؤنث، یک نوجوان زیر سن بلوغ و کودکی خردسال بود (تصویر ۳).

یافته‌های انسانی اتاق ۱۰۲: در بررسی توده یافته‌های انسانی اتاق ۱۰۲ بقایای چهار فرد با دو مجموعه نسبتاً سالم شناسایی شده است که اندام و اعضای این افراد همراه با دو مجموعه به گوشه اتاق انتقال یافته و روی آنها را رسوبات فراوان پوشش داده بود. در میانه اتاق نیز پس از بررسی، بقایای دو زن به صورت تدفین روباز در کنار یکدیگر به دست آمد که آشفتگی در اندام آنها مشاهده می‌شود که شواهد، دو تدفین دو زمانه را ثابت می‌کند که برخی اندام آنها دچار آشفتگی شده و بعضی از اندام هم دقیقاً در جای اصلی خود بر جای مانده‌اند. در میان این دو تدفین، شواهدی از کودکی خردسال نیز قابل دیدن شده است. با توجه به این موضوع، در اتاق ۱۰۲ شواهد هفت فرد وجود دارد که چهار مورد آن در گوشه اتاق توده شده و سه مورد دیگر در حالت تدفین روباز باقی مانده‌اند (تصویر ۴).

یافته‌های انسانی سالن ۱۰۳: در مرحله نخست، توده انسانی متمرکز در زاویه شرقی سالن بررسی و شناسایی شد که عبارت است از: یک نوزاد زیر یک سال، یک فرد مؤنث و جوان در حدود ۲۰ الی ۳۰ سال، یک فرد مؤنث میان سال حدود ۳۵ الی ۴۰ سال و یک فرد مذکر قوی و درشت اندام با قدی کوتاه حدود ۳۰ الی ۴۰ سال. در مرحله دوم، توده میانی و آثار پراکنده در سالن شناسایی شد که در روی رسوبات یا در میان رسوبات قرار داشتند و پس از پاکسازی کف ظاهر شدند (تصویر ۵، ۶ و ۷).

یافته‌های انسانی اتاق ۱۰۴: در این فضا توده‌ای از بقایای انسانی در زیر دریچه و حد فاصل درب ورودی و آثار پراکنده‌ای از انسان در زاویه شرقی و در امتداد سکو توجه را جلب می‌کند. از آنجا که رسوب و گل‌ولای فراوانی استخوان‌ها را دربرگرفته بود. از توده انسانی اتاق ۱۰۴ جمعاً سه فرد از این مجموعه شناسایی شد که در بررسی بقایای پراکنده کف اتاق نیز آثار آشفته سه فرد دیگر نیز شناسایی و بررسی شد؛ بنابراین در مجموع، یافته‌های انسانی اتاق ۱۰۴ شش مورد بود که یک کودک، یک زن کهنسال و یک نوجوان در کف و یک فرد میان‌سال، یک نوجوان و یک کودک در حد بلوغ در توده متمرکز این فضا به ثبت رسید.

یافته‌های انسانی اتاق ۱۰۵: بر اساس شواهد، یک توده انسانی متمرکز در زاویه طولی اتاق وجود دارد که شامل شش مورد آثار انسانی بود که شناسایی شد (تصویر ۸).



تصویر ۲: نمونه‌ای از تدفین‌های توده‌ای قابل مشاهده در سالن ۱۰۲



تصویر ۴: یافته‌های انسانی اتاق ۱۰۲ کارگاه 1-A

تصویر ۳: یافته‌های انسانی سالن ۱۰۱ در کارگاه 1-A



تصویر ۶: یافته‌های سالن ۱۰۳ کارگاه 1-A

تصویر ۵: یافته‌های سالن ۱۰۳ کارگاه 1-A



تصویر ۷: نمای کامل از یافته‌های انسانی سالن ۱۰۳ کارگاه 1-A تصویر ۸: یافته‌های انسانی اتاق ۱۰۵ کارگاه 1-A

۲-۵. کارگاه شماره I. B

این کارگاه یک ورودی عمودی مرتبط با فضای بیرون دارد و دو راهروی ۱۰۰ و ۱۰۱ ارتباط این کارگاه را با فضاهای دیگر برقرار می‌کند که راهروی ۱۰۰ رابط بین این کارگاه با کارگاه I-A است و راهروی ۱۰۱ نیز ظاهراً به سمت کارگاه ۷ امتداد دارد، ولی مسیر اصلی و دقیق آن تاکنون مشخص نشده است. اتاق ۱۰۷ به دلیل داشتن یک ورودی پلکانی شکل با سطح خیابان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (پلان ۱).

یافته‌های انسانی اتاق ۱۰۷: طی اجرای برنامه پژوهشی و ارائه مدارک مستند، در اتاق ۱۰۷ جمعاً بقایای سیزده نفر شامل شش فرد مذکر، چهار مؤنث و سه کودک شناسایی شد که به صورت توده استخوان انسانی و پراکنده یافت شده است (تصویر ۹).

۳-۵. کارگاه شماره ۵ (V)

این کارگاه دارای دو اتاق با شماره ۵۰۱ و ۵۰۲ و یک ورودی عمود به سطح است که مسیر ورودی پلکانی آن هنوز مشخص نیست. ارتباط فضایی دو کارگاه I و II با کارگاه مذکور نامشخص است و بر اساس شواهد، احتمالاً کارگاه I-B با کارگاه V از طریق راهروی ۱۰۱ مرتبط می‌شوند (پلان ۲).



تصویر ۱۰: یافته‌های انسانی اتاق ۵۰۲ کارگاه V (تدفین تحتانی)

تصویر ۹: یافته‌های انسانی اتاق ۱۰۷ کارگاه I-B

یافته‌های انسانی اتاق ۵۰۱: در این فضا یک مورد تدفین انسانی با بالاتنه تاق‌باز در گنج اتاق شناسایی شده است که بر روی رسوبات قرار دارد و با توجه به شواهد، اندام در جای اصلی قرار داشته است، اما مجموعه این اسکلت در اثر رسوب‌گذاری یا در اثر عوامل انسانی جابه‌جا و در بخش دیگر این فضا شناسایی شده است. یافته‌های انسانی اتاق ۵۰۲: در میانه این فضا یک توده بقایای انسانی قابل مشاهده است که بر روی حجم زیادی از رسوبات قرار دارد، شواهد نشان می‌دهد که این رسوب‌گذاری پس از کاربری اولیه انجام شده است. نکته جالب‌تر آن که پاک‌سازی توده انسانی نشان می‌دهد دو فرد با فاصله رسوب‌گذاری کمی از یکدیگر در روی هم دفن شده‌اند؛ نفر اول که در زیر واقع شده و از لحاظ زمانی قدیمی‌تر است، به علت تشکیل لایه رسوبی در روی آن، نسبتاً سالم مانده و آسیب چندانی به آن نرسیده است. فرد دوم روی لایه رسوبی قرار گرفته، به دلیل تدفین روباز و قبل از رسوب‌گذاری نهایی، اندامش آشفته و خرد شده است (تصویر ۱۰).

۶. بحث و مقایسه

در این مجموعه ۶۰ مورد بقایای اسکلت انسانی شناسایی شده که ۸ مورد به صورت تدفین یا شواهد تدفینی برجا در کف فضاها قابل مشاهده است و بقیه موارد به شکل توده‌های استخوان شناسایی شده‌اند. تدفین‌ها شامل ۱۶ نفر مذکر، ۲۶ نفر مؤنث، ۱۴ کودک، یک نوزاد و ۳ فرد غیر قابل تشخیص است. همچنین

از تعداد ۶۰ مورد اسکلت شناسایی شده، ۲۰ مورد آن دارای مجموعه‌ای نسبتاً سالم بوده و مورد سنجش و محاسبه (آنتروپومتری) قرار گرفته‌اند (همتی ازندریانی، ۱۳۹۲: ۱۹۳).

درباره شیوه‌های تدفین در منطقه ملایر بر اساس تدفین‌های کشف شده در مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن باید اظهار کرد که این نوع شیوه‌های تدفینی در کمتر منطقه‌ای شناسایی شده و از این رو بسیار حائز اهمیت است. یکی از شیوه‌های تدفین در مجموعه سامن، دفن اجساد در داخل فضاهای زیرزمینی دست‌کند سردابه‌ای است که در اینجا برخلاف سایر سردابه‌های این دوره، بدون استفاده از مصالح ساختمانی در بستر طبیعی تپه به صورت فضاهایی مرتبط با هم کنده شده‌اند و سکوها و طاقچه‌هایی دارند. اجساد داخل این فضاها، به جزء یک مورد، هیچ نشانی از تدفین همراه با لباس و اشیای متعلق به زندگی روزمره یا حرفه متوفا ندارند. در این محوطه پس از تدفین اجساد اولیه، تدفین‌های بعدی نیز انجام شده است؛ به این صورت که اسکلت‌های قدیمی را در گوشه اتاق جمع کرده و تدفین جدید را انجام داده‌اند. شواهد این ادعا به صورت توده‌های استخوانی در گوشه و مجاورت دیوار اتاق‌ها مشهود است. در واقع اسکلت‌های موجود در کف، آخرین تدفین صورت گرفته در اتاق هستند و تدفین‌های قبلی پس از نابودی امعا، احشا، پوست، گوشت و غیره، به منظور آماده کردن فضا برای تدفین جدید به کناری جمع شده‌اند و تدفین‌های جدید جای آنها انجام شده است که این موضوع گویای آن است که مدت زیادی از این محل برای تدفین اموات استفاده شده است؛ بنابراین، می‌توان گفت که بقایای اسکلت‌های انسانی موجود، به صورت تصادفی در این محل جمع نشده‌اند یا این گونه نبوده است که افرادی به صورت اتفاقی در این محل کشته شده یا به کام مرگ فرو رفته باشند.

برای تاریخ‌گذاری مطلق بقایای اسکلت‌های انسانی، نمونه‌هایی از استخوان‌های برجا قرار گرفته در کف فضاها که دچار دخل و تصرف انسانی و جابه‌جایی نشده‌اند، انتخاب و برای تاریخ‌گذاری C-14 به آزمایشگاه فرستاده شدند که متأسفانه نتایج این آزمایش تاکنون ارائه نشده است؛ البته ممکن است به دلیل استفاده مکرر از فضای مورد بحث در دوره اسلامی، روش تاریخ‌گذاری C-14 بر روی استخوان‌ها ممکن نباشد و احتمالاً روش تاریخ‌گذاری فلورین (fluorine dating) می‌تواند پاسخ‌گو باشد.

با توجه به موارد مذکور تدفین‌های روباز کف تعدادی از اتاق‌ها و توده‌های استخوانی مجاور آنها به نوعی قابل مقایسه با تدفین‌های سردابه‌ای و گور دخمه‌ای در دوره اشکانی هستند که مشابه آن در منطقه دماوند در محوطه ولیران انجام شده است؛ به این صورت که سکوهایی وجود دارد که هر کدام یک استودان اختصاصی دارند که به هنگام تدفین اجساد جدید، اسکلت‌های اجساد اولیه و قدیمی به همراه اشیای تدفینی برداشته و درون استودان‌های تعبیه شده در گور ریخته می‌شده‌اند (نعمتی، ۱۳۹۰: ۴۴۳ و نعمتی و صدرائی، ۱۳۹۱: ۱۰۸). از این شیوه تدفین در دوره اشکانی از شهر صنعتگران و شهر شاهی شوش (De Mecqunem, 1943) و در گلاک شوشتر پنج آرامگاه سردابه‌ای آجری شناسایی شد که بعضی از آنها دارای پله‌های زیاد هستند. در این آرامگاه‌ها سه سکو وجود دارد که روی آنها تابوت‌هایی سفالین قرار داده‌اند. زیر سکوها خالی است و در داخل آن اجساد را به حالت آزاد دفن می‌کرده‌اند. آرامگاه‌های فاقد سکو در قسمت ورودی، دارای یک یا دو پله هستند و تابوت‌ها را در کف آرامگاه نهاده و روی کف هم تدفین انجام داده بودند.

علاوه بر تدفین سردابه‌ای، تدفین خمره‌ای در اطراف آرامگاه‌ها نیز به دست آمده است (Rahbar, 1999: 90-93). در قلمرو غربی امپراتوری اشکانی در پالمیر و دوراروپوس از برج‌های مشابه برج‌های خاموش

زردتشتیان استفاده شده است. همچنین در پالمیر، آرامگاه‌های زیرزمینی خانوادگی و آرامگاه پرستشگاهی وجود داشته است که تابوت‌های حاوی اجساد را داخل این آرامگاه‌ها قرار می‌داده‌اند (Horst, 1973: 173-4). در سلوکیه گورهایی کاوش شده است که خانوادگی به نظر می‌رسند و از این گورها به عنوان سردابه‌ای یاد می‌شود که با تابوت‌های سفالین معروف به «وان حمام» یا «دمپایی‌شکل» تدفین صورت می‌گرفته است (کالج، ۱۳۵۷: ۹۷-۱۰۱). در الحضر ساختمان‌های چهارگوش برای تدفین در داخل و خارج از حصار شهر ساخته شده است (سفر و مصطفی، ۱۳۷۶: ۸۲).

تدفین سردابه‌ای متعلق به دوره اشکانی نیست و قبل از آن در دوره ایلامی‌ها، به‌ویژه در چغازنبیل رایج بوده است. وجود اشیاء در قبور دوره اشکانی نیز از جمله شواهد دیگری است که بر تداوم سنت‌های پیشین در دوره اشکانی دلالت دارد. بر خلاف قبور اشکانی، سایر مناطق معمولاً به لحاظ داشتن اشیاء فقیر هستند، ولی شواهدی در گوری سردابه‌ای و یکی از گورهای گودالی که اشیاء زیادی از آنها به دست آمده است، نشان می‌دهد که اشیایی چون خنجر، شمشیر و ظروف سفالی از جمله معمول‌ترین هدایای قبور در ولیران دماوند و در قبور منطقه گرمی آذربایجان و منطقه تالش از دوره‌های قبل مثل هزاره اول ق.م بوده است که دموگران به نمونه‌هایی از این اشیاء اشاره کرده است (De Morgan, 1905). در این فضاها اشیاء تدفینی به جز موارد محدودی به دست نیامد و به نظر می‌رسد که در این فضاها، مراسم تدفین روی کف انجام می‌گرفته است.

پیه‌سوز سفالی از جمله دیگر اشیاء سفالی در فضاهای زیرزمینی است که یکی از ضرورت‌های اجرای تدفین در این مکان‌ها بوده است. پیه‌سوزهایی که از محوطه‌ها یا گورستان‌های دوره اشکانی به دست آمده‌اند، به دو صورت لعاب‌دار و بی‌لعاب‌اند که پیه‌سوزهای بی‌لعاب به دو گروه دسته‌دار و بی‌دسته تقسیم می‌شوند و نوع لعاب‌دار اغلب دارای لوله‌های بلند و کوتاه هستند و لعاب‌های آنها از نوع لعاب‌های دوره تاریخی است (تصویر ۱۱). همچنین در محوطه ولیران دماوند نیز پیه‌سوزهایی شناسایی شده است که اغلب دارای دسته یا لوله بلند هستند، ولی پیه‌سوز به دست آمده از ولیران شبیه پیاله و دارای یک زائده یا آبریز کوچک در روی لبه و دست‌ساز و با پخت نامناسب است. از این پیه‌سوز تاکنون در هیچ‌یک از محوطه‌های اشکانی گزارش نشده است. این پیه‌سوز از نوع ظروف بومی منطقه است (نعمتی، ۱۳۹۰: ۴۳۲). از حفاری تپه آیرین گرمی پیه‌سوزی سفالین که دهانه‌اش دودزده است، مدلل می‌دارد که به هنگام دفن میت پیه‌سوز را روشن کرده‌اند و مدت زمانی نور آن به اطراف ساطع بوده است (کامبخش فرد، ۱۳۷۷: ۸). این نوع ظروف در قبور اشکانی دست‌ساز، کنگاور و قبور سردابه‌ای شوشتر شناسایی شده است (چاپچی امیرخیز و هرسینی، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

همچنین در مجاورت تدفین‌ها برخی یافته‌های ارزشمند دیگری، از جمله مهری با نقش زنی ایستاده از جنس عقیق یافت شده است که این نقش دارای پوششی مشابه لباس پارت‌هاست که چوب‌دستی بر روی شانه دارد و انتهای آن سبیدی آویزان است و در دست دیگر، این فرد حیوانی (احتمالاً سگ) را گرفته است و با خود می‌برد (تصویر ۱۲). این مهر از لحاظ نقش و طرح قابل مقایسه با مهرهای دوره هلنی است که از فلسطین اشغالی و عراق یافت شده است (Herbert, 2003, fig: 6)، اما این مهر بیشترین شباهت را با مهری مرمری مربوط به الهه خوشبختی (Tyche fortune) دارد (Vermeule, 1970, fig: 19)؛ بنابراین، با توجه به نوع و شیوه قرارگیری اسکلت‌ها در فضاها و شواهد باستان‌شناختی یافت شده در مجاورت تدفین‌ها، نمی‌توان آنها را به دوره اسلامی دانست، در حالی که با وجود ترندهای متعددی که در دوره‌های مختلف (قرون میانی و

متأخر) اسلامی در فضاهای مجموعه انجام شده، هیچ‌گونه دخل و تصرف تعمدی یا پاکسازی در آنها انجام نشده است و در فضاها به طور هم‌زمان می‌توان آثار و شواهد دوره‌های مذکور را مشاهده کرد. این وضعیت شاید از تفکر و اعتقادات مذهبی بومیان منطقه طی زمان ناشی شده و می‌تواند با باورهای آنها مرتبط باشد.



تصویر ۱۱: نمونه پیه‌سوز لعاب‌دار دوره اشکانی



تصویر ۱۲: مهر عقیق با نقش زن ایستاده مربوط به دوره هلنی

۷. نتیجه

مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن شامل فضاهای زیرسطحی (فضاهای دست‌کند زیرزمینی) زیر بافت مسکونی شهری و در درون سنگ‌های گرانیتی (گرانیت گل‌پنبه‌ای) ایجاد شده است. این مجموعه با بیش از ۵۰ فضا با ابعاد و اندازه‌های متغیر در ۸ کارگاه زیرزمینی (الف، ۱ ب، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸) شناسایی شده است. این فضاها در عمق‌های متغیر بین ۲ تا ۸ متری از سطح زمین به صورت دست‌کند ایجاد شده‌اند که شامل اتاق‌ها و سالن‌هایی هستند که از طریق دریچه‌ها، درگاهی‌ها و راهروها به هم مرتبط می‌شوند. بر اساس پژوهش‌های باستان‌شناختی در این مجموعه، ۶۰ نمونه اسکلت انسانی شناسایی شد که این نمونه‌ها از ۸ فضای زیرزمینی مربوط به سه کارگاه I.A، I.B و V به دست آمده‌اند. از این تعداد بقایای اسکلت انسانی، ۸ مورد به صورت تدفین یا شواهد تدفین برجا در کف فضاها قابل مشاهده است و بقیه موارد به شکل توده‌های استخوان جمع شده در گوشه و مجاورت دیواره اتاق‌ها شناسایی شده است که بر اساس مطالعات انسان‌شناسی ۱۶ مورد مذکر، ۲۶ مورد مؤنث، ۱۴ کودک، یک نوزاد و ۳ مورد افراد غیر قابل تشخیص بوده‌اند.

درباره شیوه‌های تدفین در مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن و با در نظر گرفتن نمونه‌های شناسایی شده می‌توان اظهار کرد که تاکنون در کمتر محوطه‌ای این تعداد تدفین شناسایی شده است که به صورت تدفین‌های سردابه‌ای در داخل فضاهای دست‌کند زیرزمینی قرارداد شده باشند، بدون اینکه از هیچ‌گونه مصالح ساختمانی استفاده کنند، اما از نظر نوع و نحوه قرارگیری بقایای اسکلت‌های انسانی در فضاهای زیرزمینی می‌توان آن‌ها را با تدفین‌های ولیران دماوند، گلالک شوشتر، آکروپل و شهر شاهی شوش و صالح داوود شوشتر مقایسه کرد که همگی مربوط به دوره اشکانی هستند. همچنین شایان ذکر است که با وجود شباهت و قابل قیاس بودن کلی بقایای استخوانی تدفین سامن با محوطه‌های مذکور، تا حدودی در این مجموعه فرآیندی متفاوت وجود داشته است و شاید با رعایت احتیاط و احتمال بتوان جنبه‌هایی از مجموعه آثار تدفینی سامن را به عنوان الگویی نویافته از تدفین‌های قبل از اسلام معرفی کرد.

پی‌نوشت

۱. توسط فرزاد فروزانفر به عنوان کارشناس انسان‌شناس جسمانی.
۲. سالن‌ها به فضاهایی گفته می‌شود که دو راه یا بیشتر از دو راه دسترسی باشند. این فضاها بیشتر برای برقراری ارتباط بین چند اتاق پیرامونی ایجاد و با حرف لاتین H معرفی شده‌اند.
۳. به فضاهای منفردی اطلاق شده است که قاعدتاً دارای یک ورودی هستند و کاربری اتاق را تداعی می‌کنند و احیاناً دارای درهایی برای جدا شدن از دیگر فضاها بوده‌اند. طی گزارش اتاق‌ها با حرف لاتین R نمایش داده شده‌اند.

منابع

- چاپچی امیرخیز، احمد و محمدرضا هرسینی (۱۳۸۱)، نگاهی به تدفین تابوتی در ایران، تهران، چاپ اول، تهران، سمیرا. خاکسار، علی، ۱۳۸۶، فصل اول کاوش‌های باستان‌شناختی سامن- ملایر (شهر پنهان)، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- (۱۳۸۷)، فصل دوم کاوش‌های باستان‌شناختی سامن- ملایر (شهر پنهان)، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- (۱۳۸۸)، بررسی و بازدید اولیه‌ی مجموعه دست‌کند زیرزمینی انوح ملایر، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان، (منتشر نشده).
- (۱۳۸۹ ب)، فصل اول پژوهش‌های باستان‌شناختی در مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی ارزانفود همدان، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- (۱۳۸۹ الف)، فصل سوم کاوش‌های باستان‌شناختی سامن- ملایر (شهر پنهان)، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- (۱۳۹۰ الف)، فصل چهارم کاوش‌های باستان‌شناختی سامن- ملایر (شهر پنهان). آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- (۱۳۹۰ ب)، فصل دوم پژوهش‌های باستان‌شناختی در مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی ارزانفود همدان، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- دارک، کن، آر (۱۳۸۷)، «مبانی نظری باستان‌شناسی»، ترجمه کامیار عبدی، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ساروخانی، زهرا (۱۳۹۱)، «شهرهای زیرزمینی ایران به روایت ابوی نوش‌آباد»، چکیده مقالات اولین همایش معماری دست-کند، تهران، پژوهشکده میراث فرهنگی و گردشگری.

- سیمون، مایس (۱۳۸۱)، باستان‌شناسی استخوان‌های انسانی، ترجمه مازیار اشرفی بناب، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سفر، فؤاد و محمدعلی مصطفی (۱۳۷۶)، *هترا (الحضر) شهر خورشید*، ترجمه نادر کریمیان سردشتی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شجاع‌دل، نادره و نسیم علیپور (۱۳۸۴)، «پیشینه مهرپرستی و نیایشگاه مهر ورجوی مراغه»، *تاریخ پژوهی*، سال هفتم، شماره ۲۴ و ۲۵، ۴۴-۵۵.
- شکاری‌نیری، جواد (۱۳۸۵)، «امامزاده معصوم ورجوی مراغه معبد مهرپرستی ایرانی و نشان‌ها در معابد اروپایی»، *مطالعات ایرانی مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، سال پنجم، شماره دهم، ۱۰۹-۱۲۵.
- کالج، مالکوم (۱۳۵۷)، *پارتیان*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، سحر.
- کامبخش فرد، سیفالله (۱۳۷۷)، «گورخمره‌های اشکانی»، *پیوست مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سیمون، مایس (۱۳۸۱)، «باستان‌شناسی استخوان‌های انسان»، ترجمه مازیار اشرفیان بناب، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نعمتی، محمدرضا و علی صدرائی (۱۳۹۱)، «بررسی شیوه‌های تدفین دوره اشکانی در گورستان ولیران دماوند»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۴، شماره ۲، ۱۰۳-۱۲۱.
- نعمتی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *بررسی منطقه دماوند در دوره اشکانی و ساسانی، مطالعه موردی: محوطه تاریخی ولیران*، پایان‌نامه دوره دکتری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- ورجواند، پرویز (۱۳۵۵)، «نیایشگاه قدمگاه نشانی از یک معبد مهری و شاهکاری از معماری صخره‌ای ایران»، *فرهنگ معماری ایران*، شماره ۳ و ۴، ۱۷-۴.
- همتی ازندریانی، اسماعیل (۱۳۹۲)، «تحلیل معماری دست‌کند زیرزمینی استان همدان، مطالعه موردی مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن ملایر»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس*.

De Mecqunem, R., 1943. Fouilles, de Suse 1933-1939, Tom XXXIX, Paries, Pp70-123.

De Morgan, M. L., 1905. *Decouverte d'une sepulture achemenide a Suse*», Memoires de la delegation en Perse, Pp. 29-58.

Herbert, S.C., 2005. The Hellenistic archives from Tel Kedesh (Israel) and Seleucia-on-the Tigris (Iraq), *Bulletin of the University of Michigan Museums of Art and Archaeology*, 15: 65-86.

Horst, K., 1973, *The art of ancient Syria*, Gazelle Book Services Ltd.

Rabar, M., 1999. Shushtar: les tombeaux de poque Parthe de Gelalak, *Dossiers d Archeology* 243: 90-93.

Redman, C. L., Versaggi, C., and Wanser, D., 1978. Social archaeology: the future of the past, in: C. L. Redman et al., (eds.), *social archaeology: beyond subsistence and dating*, Academic Press, New York. Pp.1-18.

Vermeule, C., 1970. *Near Eastern, Greek, and Roman gems: a recent gift to the collections*, *Boston Museum Bulletin*, Vol. 68, No. 353, pp. 197-214, Published by: Museum of Fine Arts, Boston Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/4171534> Accessed: 26/02/2009 03:34.